مقایسه مجموعه نقش جهان اصفهان با مجموعه گنجعلی خان کرمان

مریم طاهری ، پاشا نواده

دانشجوی کارشناسی معماری، دانشگاه اسلامی آزاد، لاهیجان، ایران.

دانشجوی کارشناسی معماری، دانشگاه اسلامی آزاد، لاهیجان، ایران.

چکیده:

از عناصر مهم هسته اولیه شهر های ایران در دوران اسلام مسجد، بازار و ارگ حکومتی بوده است. در دوره صفویه مجموعه های بسیاری ساخته شد که عناصر اولیه آن ها میدان، مساجد و بازار بود و هر یک از مجموعه ها با توجه به نوع و کاربری خود دارای عناصر مختلفی بوده است. در این مقاله سعی شده تا مجموعه نقش جهان اصفهان با مجموعه گنجعلی خان کرمان هم به صورت کلی و هم جزئی مقایسه و بررسی شود. در این مقاله ابتدا مجموعه نقش جهان و هر یک از عناصر این مجموعه بررسی شده سپس مجموعه گنجعلی خان و هر یک از عناصر این مجموعه بررسی شده و در نهایت این دو مجموعه با هم مقایسه شده و به شباهت های سبکی و تفاوت های کلی و جزئی پرداخته شده است.

واژه های کلیدی:

مجموعه، نقش جهان اصفهان، گنجعلی خان کرمان، صفویه.

*نویسنده مسئول: تلفکس: ۰۱۳-۴۲۲۳۰۶۸۱، E-mail: pasha.navadeh@gmail.com.

مقدمه

مجموعه نقش جهان در اصفهان و مجموعه گنجعلی خان در کرمان در دوره صفویه ساخته شده اند و هر کدام از مجموعه ها به طور مستقل دارای میدان، مسجد و بازار هستند.

سبک معماری تمامی عناصر این دو مجموعه به شیوه اصفهانی است. شباهت این دو مجموعه از لحاظ عناصر و سازماندهی فضایی و همچنین روابط اجتماعی که در این دو مجموعه شکل گرفته شباهت های زیادی با هم دارند، هر دو مجموعه در مرکز شهر قرار گرفته اند و بازار ها در این مجموعه ها محوری را به وجود آورده است.

در این مقاله به مقایسه شباهت ها و تفاوت های کل مجموعه ها و هر یک از عناصر مجموعه پرداخته شده است.

۱)میدان نقش جهان

استان اصفهان، استانی در میانه‌ی ایران است. این استان با مساحتی حدود ۱۰۵,۹۳۷ کیلومتر مربع و حدوداً ۱۰ درصد از بیابان‌های ایران را در بر می گیرد. [۱۵]

میدان نقش جهان میدان مرکزی شهر اصفهان است که در مجموعه تاریخی نقش جهان قرار دارد. و در پیرامون میدان، مشهورترین و عظیم‌ترین بناهای تاریخی اصفهان مانند مسجد جامع عباسی یا مسجد شاه (در ضلع جنوبی)، مسجد شیخ لطف‌الله (در ضلع شرقی)، عمارت عالی‌قاپو (در ضلع غربی) و سردر قیصریه (در ضلع شمالی) ساخته شده و اطراف میدان را چهار بازار بزرگ احاطه کرده است.

اکثر منابع تاریخی بنای فعلی میدان نقش جهان را در دوره سلطنت شاه عباس اول دانسته‌اند. استاد محمدرضا و استاد علی‌اکبر اصفهانی، نام دو تن از معمارانی است که میدان را طرح ریزی نموده و آن را به شکل فعلی بنا نهاده‌اند. [۱۶]

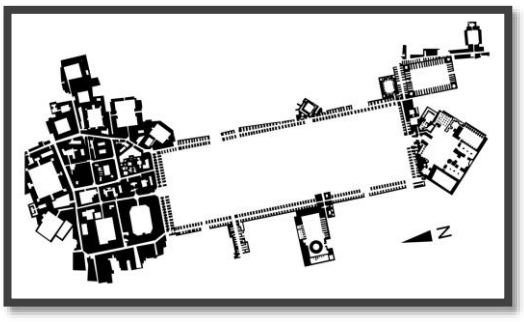

تصویر ۱_پلان میدان امام

۲)مجموعه گنجعلی خان

کرمان پهناورترین استان ایران در جنوب شرقی کشور قرار گرفته و با در بر گرفتن بیش از ۱۱ درصد از وسعت ایران از لحاظ وسعت خاکی بزرگترین استان ایران وبا در نظر گرفتن مرز آبی پس از سیستان و بلوچستان دومین استان پهناور ایران می باشد. [۱۷]

میدان گنجعلی خان در مرکز قدیمی شهر کرمان و در کنار بازار بزرگ کرمان قرار دارد. مساحت مجموعه گنجعلی خان ۱۱۰۰۰ مترمربع و عناصر مجموعه و سال ساخت آنها عبارت‌اند از: میدان (۱۰۰۵ ه-ق)، بازار (۱۰۰۵ هـ-ق)، در ضلع جنوبی حمام (۱۰۲۰ ه-ق)، در ضلع شمالی ضرابخانه (۱۰۳۵ ه-ق)، در ضلع شرقی مسجد (۱۰۰۷ ه-ق) و در ضلع شرقی کاروانسرا (۱۰۰۷ هـ-ق) در ضلع غربی آب انبار (۱۰۲۹ هـ-ق). (سبک معماری: اصفهانی)

میدان گنجعلی خان همانند میدان های نقش جهان در اصفهان، در اطراف خود بعضی از عناصر شهری را گردآورده است. در سه ضلع میدان گنجعلی خان، بازار واقع شده و در ضلع دیگرش، سرای گنجعلی خان قرار دارد. وجود حمام، آب انبار، ضرابخانه و همجواری با بازارها و چهار سو، این مجموعه به هم تنیده را کامل کرده است. تاقنماهای آجری، کاشیکاری، فضای سبز، حوض آب و دیگر آثار دیدنی، بر زیبایی این میدان افزوده اند.

در سه سمت میدان، بازارهای گنجعلی خان قرار دارد که بازار مسگرها و بخشی از راسته اصلی را تشکیل می‌دهد. معمار مجموعه "استاد سلطان محمد معمار یزدی" بوده‌است. [۱]

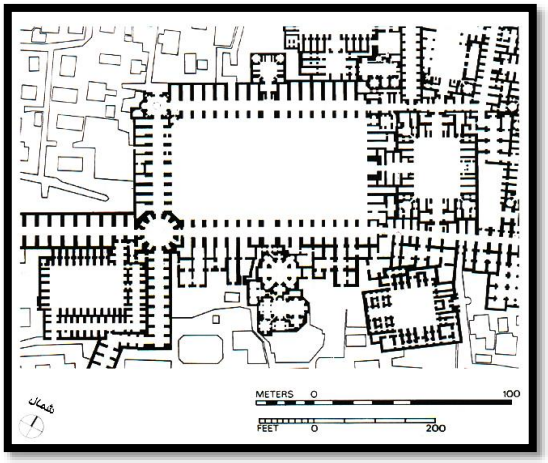

شکل۲_ پلان مجموعه گنجعلی خان

تحلیل و مقایسه مجموعه نقش جهان با مجموعه گنجعلی خان

۳)ویژگی های شیوه اصفهانی

۳-۱)ایوان فضای احیا شده

در شیوه اصفهانی از ایوان نه تنها به صورت فضایی در حد فاصل بیرونی و درونی بنا چونان شیوه‌های پیش از آن استفاده شد، بلکه این پدیده به صورت نماسازی در منظر عمومی شهر جایگاه ویژه‌ای یافت؛ مثلاً تکرار ایوان ها در بناهای دور میدان نقش جهان و گنجعلی خان ، به منظر ایـوان نـظمی یکدست و تـازه بخشید. [۱]

۳-۲)محصوریت خصوصیت حجمی فضای باز

بیشتر میدان های شهری توسط فضاها، عناصر و احجامی که در پیرامونشان قرار داشتند، محصور می شدند . البته حد محصور بودن و تناسبات فضایی انواع آنها با یکدیگر متفاوت بود چنان که میدان های عمومی ، حکومتی و نظامی بسیار وسیع و دارای یک مقیاس اجتماعی و متناسب با تجمع افراد زیاد بودند ، در حالی که میدان های ناحیه ای و محله ای کوچکتر و فضای آنها محصورتر بود. [۲]

۳-۳)خصوصیات معماری سطوح جانبی

همه میدان هایی که فضاهای ساخته شده پیرامون آنها همزمان با فضای باز و در پیوند با آن طراحی و سپس ساخته می شدند ، دارای سطوح جانبی طراحی شده بودند. زیرا همواره همه سطوحی را که به سمت فضای باز میدان قرار داشتند هماهنگ و متناسب با هم، طراحی می کردند. [۳]

۳-۴)دارای فضا های سر پوشیده

بعضی از میدان ها مانند میدان گنجعلی خان، به خصوص میدانچه های محله ای در پیرامون فضای باز دارای فضاهای سرپوشیده ای بودند که در موقع برگزاری مراسم، مردم در آن ها مستقر می شدند و به تماشای مراسم می پرداختند. بیشتر این فضاها به صورت ایوان هایی بودند که پیرامون فضای باز میدان ساخته می شدند.

در برخی موارد مانند میدان نقش جهان در امتداد محورهای تقارن فضای باز میدان ، ایوان و شاه نشین هایی که می ساختند مانند ایوان عمارت عالی قاپو، که محل استقرار بزرگان شهر یا محله بود فضای ساخته شده پیرامون بعضی از این میدان ها دو طبقه بودند . در این حالت ، معمولاً در طبقه دوم رواق هایی می ساختند که در هنگام تجمع ، محل استقرار زنان بود. [۳]

۵-۳) تغییرات در پلان ها (ته رنگ ها)

در شیوه اصفهانی ته رنگ بناها نسبت به شیوه‌های قبل سادگی بیشتری دارند. در بیشتر بناها در صورت امکان کل ته رنگ در شکلی چهار گوش یا چند ضلعی خلاصه شده است و در آنها کمتر طراحی آزاد دیده می‌شود، مگر در بخش هایی که ناچار به تغییر محور بوده‌اند، مثل وضع قرار گرفتن مسجد امام اصفهان نسبت به میدان نقش جهان؛ با این همه، خود مسجد در مجموع ته رنگی چهارگوش دارد. با نوعی سادگی متناسب با خطوط به اهداف سیاسی اجتماعی دست می یافتند. در دوره شاه عباس اماکن عمومی مانند بازارها ، گذرها ، قهوه خانه ها پیوسته به مجموعه کاخ ها ، فاصله بعید میان مردم و اشراف درباری را تعدیل می بخشید و پای آن را تا حدی که نظم و محدودیت درباری اجازه می داده است به اماکن عمومی باز می کند. [۴]

نظام شهرسازی در عصر صفوی

۴)مکتب اصفهان در شهرسازی؛ تبلور آرمانشهر

۴-۱)دولت صفوی در شهرسازی ایران

نهادینه کردن مفهوم شهر و دولت و شکل گیری دولت مرکزی مقتدر و استیلای سیاسی در ابعاد داخلی و خارجی و تجسم کالبدی شهر به عنوان سمبل، همزمان با شکل گیری قدرت متمرکز دولت صفوی پس از دوره ای که ناشی از حمله مغول، دولت و شهر اقتدار خود را از دست داده بود پایه های شهرسازی مکتب اصفهان را قوام می بخشد. مکتبی که بنابر مقتضیات زمان خود بر گرفته از آرمان های دولت صفوی و تاثیر یافته از شرایط و ویژگی های اجتماعی و اقتصادی جامعه بوده است.

آن هنگام که شهرسازان اروپایی در فکر شکل و سامان دادن به عرصه شهرهای ارگانیک قرون وسطایی خود هستند شهرسازی مکتب اصفهان با ایستادن بر شالوده قوی و بنیان محکم ادوار هنری ماسبق خود گام را فراتر نهاده و الگوی آرمانی خود را به اجرا در می آورد. [۱۲]

۴-۲)ایجاد حکومت مرکزی ومتمرکز

نطفه‌ی بازسازی و ابداع مفهوم نوین شهر ایرانی قبل از تشکیل دولت صفوی و در دل حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قـــویـــونلو در آذربایجان بسته شده بود. ایجاد مجموعه «حسن پادشاه» در تبریز، زمینه‌ای روشن از نظامی‌دارد که بعدها مفهوم توسعه‌ی شهر در دوره‌ی صفوی را در مجموعه های شهرهای قزوین و اصفهان و به تبعیت از آن شهرهای بزرگ دیگری مانند کرمان پدید آورد.

وجود حکومت مقتدر مرکزی و ثبات سیاسی و امنیتی از یک سو و وضعیت مناسب اقتصادی از سوی دیگر، سبب تغییر ساختار بسیاری از شهرهای بزرگ گردید. دولت صفوی خواستار یکپارچه سازی حکومت محلی و تشکیل حکومتی مرکزی است. نتیجه‌ی این امر ایجاد تمرکز و نظارت دستگاه حاکم بر تجارت و بازرگانی و حمایت پادشاهان قدرتمند و بازرگانان ثروتمند از رشد هنر و معماری بود. میدان نقش جهان به عنوان مهمترین میدان حکومتی ایران دوره صفوی و ساخت مجموعظیم نقش جهان در قالب مجموعه‌ای حکومتی در اصفهان بود. ساخت مجموعه گنجعلی خان کرمان در تداوم ساخت میدان های حکومتی در عصر صفوی بود. [۱۲]

۴-۳) تک بناها

بناهای دوران اســلامی ایـــران به دو گـروه تقسیم بندی می شود:

۱-بناهای مذهبی ۲-بناهای غیرمذهبی

بناهای مذهبی مانند: مساجد، مدارس، بقاع متبرکه، آرامگاه ها، قدمگاه ها، حسینیه ها، تکایا، مصلی ها، کلیساها و...

و بناهای غیرمذهبی مانند: آب انبارها، قنات ها، خانه ها، کاروانسراها، کاخ ها، باغ ها، حمام ها، قلعه ها باید توجه کرد که هنرمندان، معماران و استادکاران مسلمان در ساخت و ساز تمامی بناها، خلوص و نیت خیر و تلاش صادقانه خود را به کار گرفته اند و هیچ بنای اسلامی خالی از این ردپا نیست. اما تجلی هنر و معماری اسلامی در بناهای مذهبی و عام المنفعه چشمگیرتر است. [۳]

۴-۴)عنصر تعیین کننده در شهر دوره اسلامی

فاقد عنصر مرکزی به عنوان عنصر تعیین کننده است، بلکه این ستون فقرات شهر ها است که شکل آن را معین می سازد و سایر عناصر در ارتباط با این عنصر اصلی شکل می گیرند. میدان، مسجد، مدرسه و حمام عناصر غیر قابل تفکیک این ستون فقرات هستند که هر یک، نقش و وظیفه ای در تکمیل دیگری دارند. میدان رفته رفته اهمیت ویژه ای می یابد و از این دوره با نقش و عملکرد های متفاوتی چون تجاری، ورزشی، مذهبی، اداری و حکومتی کار اتصال شهر کهن و توسعه جدید آن را بر عهده می گیرد. علاوه بر میدان های مرکزی و بنا های اطراف آن در هر محله ای نیز به تناسب امکانات ساکنین آن گشودگی هایی پدید می آید که میدان های محله ای و میدانچه از این نوع هستند. [۶]

۴-۵)نقش و جایگاه میدان‌ها در هویت بخشی شهرها

میدان‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر نشان دادن هویت شهر، کالبد وجودی سالیان دراز شهرها را نیز به نمایش بگذارند. از این‌رو شهر خوب باید دارای ساختارهای مطلوب نیز باشد. از گذشته مرسوم بوده است که در کشورها بناهایی را ایجاد می‌کردند که علاوه بر خواست ساکنان تداعی کننده قدرت پادشاهان و حاکمان به‌عنوان یادگاری به یادماندنی نیز باشد. میدان‌ها به عنوان نماد قدرت بودند. این نوسازی و نوآوری گسترده در دوره‌ای کوتاه در سایهٔ امنیت اجتماعی و قدرت دولت متمرکز و امکانات وسیع مالی خزانهٔ ملی و آمادگی فنی – هنری استادکاران برجستهٔ ایرانی امکان‌پذیر بود. [۷]

نقش جهان با آن عظمتش زاییده یک فکر اقتدار گرا و محدود است.

میدان گنجعلی خان در کمال فروتنی زاییده فکری فرهنگی و درگیر مشکلات عمومی مردم است.

۴-۶)میدان در شهرسازی :

میدان نقش جهان با نگرشی به میدان های پیشین خود ترکیبی از المانها و یادمان های مذهبی و سیاسی و اقتصادی را با الگویی منظم و دقیق شکل می بخشد. این ویژگی مهم یعنی ایجاد مجموعه های شهری جدید در کنار بافت های کهن شهری به الگویی بدل می شود که در همه جا نام مکتب اصفهان را با خود به یدک می شود که نمونه بارز آن مجموعه گنجعلی خان کرمان بوده که به عنوان یک پایتخت ایالتی، شهرسازی مکتب اصفهان را در خود پیاده می کند.

حضور این یادمانها در کنار هم و برقراری ارتباط میدان از طریق این عناصر با محلات ورای خود و برقراری محاوره بین عناصر و اجزای میدان در ترکیب با یکدیگر تحکیم پایه های مکتبی است که در آن معماری نه در حد بناهای منفرد که در حد مجموعه های شهری مطرح می گردد. معماری شهری و ایجاد و خلق فضای شهری هدف اصلی شهرسازی مکتب اصفهان است. [۱]

۴-۷)انواع کاربری میدان

۴-۶-۱)میدان عمومی: این میدان ها محل تجمع مردم بود، به همین دلیل در این میادین فضاهای عمومی چون:

عبادتگاه و مساجد، نهرآب، آب انبار، فضاهای تجاری، بازار، حمام و مدرسه ساخته می شد. مانند: میدان گنجعلی خان.

۲-۶-۴)میدان حکومتی: بیشتر برای تمرین های نظامی، سان و رژه ارتش و یا مجازات مجرمان استفاده می شد. مانند: میدان نقش جهان و میدان گنجعلی خان.

۳-۶-۴)میدان ورزشی: این میدان ها مختص مسابقات ورزشی همچون میدان بازی چوگان بودند. مانند: میدان نقش جهان.

۴-۶-۴)میدان های شهری: این میدان ها در کنار یا امتداد راه های اصلی شهر که به یکی از دروازه های شهری منتهی می شد قرار داشت. مانند: میدان نقش جهان و میدان گنجعلی خان.

۵-۶-۴)میدان محله ای: این میدان ها در مرکز محله ها قرار داشتند و به دو شکل راسته و گذرگاه و یا به صورت میدانچه در محل تقاطع چند راه یا در کنار راه بودند. [۸]

۴-۷)تحول خلاقانه در طراحی محورهای شاخص شهری عصر صفویه

تاریخ شهرسازی ایران حکایت از آن دارد که در عمده شهرهای ایران محورهایی ارگانیک وجود داشته که ارتباط بین فضاهای مهم شهری را شکل داده اند. عمده این محورهای عملکردی نظیر بازار ، با قرار گرفتن فضاهایی همچون مسجد, مدرسه, کاروانسرا، فضاهای عمومی شهری و ... در اطراف آن، به عنوان شاخص ترین محور شهری مطرح بوده اند.

همیشه مصرف کنندهٔ اصلی فضای جامع مردم عامی بوده‌اند. مردم عامی شکل دهنده اصلی فضاهای ارگانیک اطراف دسترسی‌های مختلف، بازارها، فضای مذهبی، فضای خدماتی، فضای تجاری، فضاهای حکومتی و در لایه‌های دوم اطراف آن بودند و شاید عظمت این فضاها شاهد این ادعا باشد. [۱۰]

۴-۸)محور به عنوان یک عامل جهت دهنده، سازمان دهنده و تقسیم کننده

آنچه از محور در بسیاری از موارد تعبیر می شود خطی است که حضور فیزیکی ندارد و به گونه ای یک عامل ذهنی محسوب می شود . اما هنگامی که محور در شهر و فضاهای شهری با مقیاسی فراتر از معماری مطرح می شود ، چون فعالیت های شهری و زندگی اجتماعی در این محور جریان می یابد ، عملکردهای جدیدی برای این محور تعریف می شود. در واقع می توان گفت این محور جزئی از فضاهای شهر می شود. در تاریخ عمده شهرهای ایران دارای بافتی ارگانیک بوده اند و به این صورت فضاهای مهم شهری را به هم متصل می کرده اند. محورهای ارگانیک عمدتا فضاهای عملکردی مثل بازار بوده اند که بسته به میزان اهمیت در بافت شهر و همچنین ارتباط فضایی با فضاهای شهری اطراف به عنوان شاخص ترین محور در شهر مطرح می شده اند. یکی از بارزترین این محورها ، بازار اصفهان است که میدان کهنه و میدان نقش جهان را به عنوان مهمترین فضاهای شهری عصر صفویه به هم متصل می کرده است. محور بازاری که از مجموعه گنجعلی خان می گذرد نیز به صورت خط مستقیم است که در دو سوی آن دو دروازه ورودی و خروجی شهر یعنی دروازه ارگ و دروازه مسجد (وکیل) قرار دارد. [۹]

۵)موقعیت میدان نسبت به راه های منتهی به آن

۵-۱) میدان در محل تقاطع راه ها جنبه ارتباطی داشت

سعی می کردند که محل ورود حداقل یک یا چند راه مهم را در مکان های هندسی خاص و نقاط عطف میدان قرار دهند. میدان نقش جهان اصفهان چنین وضعی دارد ، به این ترتیب که دهانه بازار را روی محور طولی و در وسط شمالی میدان و رو به روی مسجد جامع عباسی طراحی و

احداث کرده اند ، در حالی که بقیه راه ها در مکان های فرعی تر به میدان متصل شده اند. [۱۳]

۵-۲) میدان در کنار راه

اول: یک حصار بود که فضای آن را از فضای راه متمایز می کرد و تنها توسط یک یا چند فضای ورودی، امکان دسترسی به آن وجود داشت.

دوم:میدان توسط عناصری غیر معمارانه یا معمارانه از راه متمایز می شد ، اما در طول راه امکان دید به آن کم و بیش وجود داشت و دسترسی به آن نیز از نقاط مختلف و متعدد مسیر بود، مانند میدان گنجعلی خان که فضای آن توسط جرزها و تاق های متعدد از فضای بازار کنار آن متمایز شده است.

سوم: راه از درون فضای میدان عبور می کرد و فضای آن ، جزئی از فضای میدان محسوب می شد، مانند: میدان نقش جهان. [۱۳]

۵-۳) شکلهای منظم

بسیاری از میدان های حکومتی ، نظامی و محله ای و بعضی از میدان های تجاری درون شهری دارای زمینی هندسی شکل بودند که بیشتر آنها مستطیل و در مواردی مربع بود . قابل ذکر است که همه میدان هایی که ابتدا طراحی و سپس احداث می شدند کم و بیش دارای زمینی هندسی شکل و منظم بوده اند، مانند میدان گنجعلی خان و میدان نقش جهان. همچنین بسیاری از میدان هایی که به تدریج ساخته می شدند ، از شکلی کم بیش منظم و هندسی برخوردار می شدند. [۶]

۶)ویژگی های مشترک میدان نقش جهان و میدان گنجعلی خان

از لحاظ اقلیمی چنین فضاهایی کاملاً منطبق با موضوع طراحی بوده‌اند. فضاهایی که محصوریت کامل و کافی با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی بوجود می‌آورند. فضاهایی که عملکردهای مختلف تجاری و مذهبی و حکومتی با حضور مردم در اطراف یک فضای دیگر شکل می‌گیرند. عملکردهای مختلف این فضاها چون مراسم نوروز، جشن اعیاد و سوگواری و حتی مسابقات ورزشی و اموری چون حضور همیشگی مردم در این فضاها نکته‌ای حائز اهمیت است؛ بدین ترتیب که مردم در یک فضای وسیع و با تناسبات طولی و عرضی و ارتفاعی و دیدها و پرسپکتیوهای قابل توجه در فعالیت‌های روزمرهٔ خود از فضایی عبور می‌نمایند که تمام مردم شهر به آن فضا احساس تعلق خاطر و علاقه می‌نمایند. [۷]

۷)معماری مساجد در دوره صفویه

۷-۱) تلاقی دین و هنر در مساجد

مساجد به عنوان اجتماعی ترین مکان حضور مسلمین ، جایگاه تلاقی دین و هنر اسلامی می باشد. هنر با نماد آمیخته است و نمادها ماهیت و جوهر هنر را تشکیل می دهند، دارای پیامی معنادار می باشد. در هنر معماری مساجد، خطوط عمودی، افقی و منحنی، دارای معنای بلندی می باشند. ساخت گنبد، محراب، گلدسته ها، ستون ها، منبر، مقرنس ها نیز پیامی را به مخاطب القا می نماید. این جلوه های هنری عبارتند از: معماری، گچبری، آجرکاری، کاشیکاری، مقرنس کاری، خوشنویسی، فضاآرایی و...

ایران در عناصر معماری همچون قوس ها، تاق بندی ها، گنبد و حتی مقرنس به عنوان یک تزئین حجمی و سه بعدی پیشتاز بوده و توانسته است. این دستاوردها را به دیگر سرزمین های اسلامی نشان دهد. به عبارتی اسلام و معماری ایرانی در جهت نوعی کمال گرایی دو جانبه حرکت می کند. که معمار ایرانی، با بکار گیری یک سری مفاهیم اسلامی همچون بازگشت به اصل کثرت به

وحـدت و به کارگیری آرایه های نمادین، چنین فضایی را خلق کرده است. [۱۲]

۷-۲)بنا و معماری مساجد

در قلمرو اسلام ، همه هنرها به خدمت مسجد به کار رفته و از این راه جلال و سرفرازی یافته است. معمولاً مسجد را نزدیک بازار شهر می ساختند که از همه طرف بتوان آسان بدان جا رسید. در بنای بسیاری از مساجد در سرزمین های اسلامی هنرهای گوناگون به هم درآمیخته و معماری در این میان نقش توازن کننده ای ایفا کرده است. کاشی کاری، نقاشی، گچ بری، منبت کاری، خوشنویسی، خطاطی کتیبه ها، حتی صوت خوش و موسیقی دل انگیز در صدای مؤذن و قرائت کتاب خدا. در واقع به نظر می رسد که آتشکده های زرتشتیان ایران و چهار تاقی آنها به عنوان الگویی برای ساخت مساجد بود و از طرفی خیلی از مساجد بر روی همین آتشکده ها و کلیساهای مسیحیان بنا شدند و از همین طریق بود که معماری اسلامی در راه تکامل گام برداشت.، مانند: مسجد گنجعلی خان در کرمان.

مناره ، به عنوان برج دیده بانی مؤذن ، بیشتر تحت تأثیر بـــرج های قدیمی آتشکده ها ساخته شده کـه در ایران، این مناره بیشتر به شکل استوانه بود، مانند: مسجد امام در اصفهان. [۳]

۷-۳)تاثیر شکل و فرم نمادین در انتقال معانی و مفاهیم در مساجد

موضع خوانایی مسجد در بافت شهری یا انتقال مفاهیمی چون الهی و قدسی بودن را در بر گیرد. وقتی بحث از فرم و ظاهر مسجد به میان می آید. تاثیر شکل و فرم در انتقال معانی و مفاهیم از دو منظر " حس زیبایی شناختی و گرافیک محیطی " قابل بررسی است. [۷]

۷-۴)پلان مستطیل شکل مساجد

بیشتر مساجد با پلان مربع یا مستطیل ساخته شده اند. اساس اولیه تفکر ساخت بناهای مذهبی به این شکل شاید به این موضوع مربوط می شود که در دوران باستان و حتی بعد از آن عقیده داشتند که بهشت مستطیل شکل است. در پلان مسجد امام اصفهان این موضوع کاملاً مشخص است که تمامی قسمت های این مسجد دارای پلان مربع یا مستطیل می باشد. [۱]

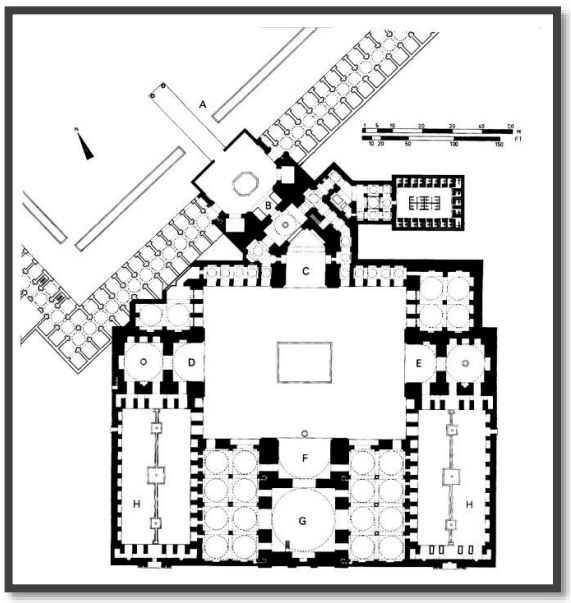

شکل ۳_ مسجد شاه (مسجد امام)

۷-۵)طرح چهار ایوانی مساجد

طرح همه مساجد چهار ایوانی نیست .تک ایوانی و دو ایوانی و غیر از این ها هم دیده می شود.اما احتمال بسیار دارد که طرح چهار ایوانی مساجد از روی طرح چهار تاقی ایرانی گرفته شده باشد.در طرح چهار ایوانی،یک حیاط مستطیل شکل پلان اصلی مسجد را شکل می دهد که در هر ضلع آن یک ایوان وجود دارد .در این پلان آن ایوانی که به سمت قبله است، از همه پرکارتر ، عظیم تر و قابل توجه تر است. بناهای این دوره باز هم دارای طرح کلی چهار ایوانی است البته به ساخت ایوان های عـظیم با ابعاد بزرگ توجه بسیار

شده. در ابنیه مذهبی کاشی های لعاب دار، معرق و هـفـت رنگ در تزئین دیواره های خارجی و داخلی بنا، تاق ها، مناره ها، گنبدها و محراب ها استفاده شده است. [۱]

۶-۷)ورودی هادر مساجد

برای اینکه جنبه دعوت به داخل مسجد داشته باشند، ورودی ها از بیرون تزئینات بسیاری دارند .در حالی که در حیاط و داخل مسجد برای اینکه عبادت کنندگان را تحت تاثیر خروج از مسجد قرار ندهد، تزئین بسیار کم است. سردر مساجد نسبت به اطراف خود شاخص تر ، حجیم تر و بلند ترند .بدین ترتیب انسان در مقابل مقیاس بزرگ و چشمگیر سردر، با تحسین این عظمت خود را بنده حقیری در بارگاه متعالی خداوند می یابد. تزئینات سردر مفصل تر از بقیه قسمت های ورودی است.خطاطی آیات قرآن، کاشیکاری،کاربندی و مقرنس کاری از جمله این تزئینات هستند. به تقارن "ورودی "برای تاکید به محور توجه می شود. [۱۱]

۷-۷)سردر

سر درب مسجد مبین میزان اهمیت و عظمت آن بناست. بنابراین سعی برآن بوده تا هرچه وسیع تر، مرتفع تر و مزین تر برپا شود. [۱۱]

۸-۷)گنبد

گنبد با جلوه و رفعت خود کنایه ای از آسمان است .گنبد در اسلام نماد تاق فلک است و از آنجا که گنبد رو به آسمان کشیده شده، نوعی تمنای عروج را برای فرد مسلمان تداعی می کند .در معماری ایرانی هم که اساس آن گذر از مربع به دایره و در واقع گذر از میرایی به نامیرایی است، گنبد سازی در شیوهٔ اصفهانی از لحاظ ساخت و ساز تغییر چندانی نمی‌کند.

گذشته از ساده‌تر شدن گوشه‌های زیر گنبد، ساقهٔ گنبد نسبت به «اربانه» (= گریو کوتاه) در گنبدهای شیوهٔ آذری کشیده‌تر می‌شود و به صورت «گریو» (= گردن) درمی‌آید که غرض عمدهٔ آن عظمت بخشیدن بیشتر به بنا و استفاده از نور بیشتر برای داخل فضاست به پیروی از همین شیوه و ترکیب و همخوانی با گنبد، گلدسته‌های مساجد نیز ساده‌تر، ظریف‌تر و باریک‌تر از گلدسته‌های قدیم می‌شوند. گنبدها و گلدسته‌های مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله با مساجد مربوط به شیوه‌های پیشین از این حـیث قابل مقایسه‌اند. مسجد ایرانی علاوه بر افزودن گنبد به فضای شبستان به کمک یک هندسه گام به گام و ایجاد ایوان که به شکوه و جلال آن می‌افزود، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که لطافت و ظرافت در آراستن و تزیین بدنه در داخل و خارج بنا، از آن جمله‌اند. با این همه میراث به جای مانده از آنها توام با تنوع و تجربه‌های سنتی در استفاده از فرم و فضا به ویژه در معماری مساجد، قرن‌هاست که به کمال رسیده و به بلوغ هنری و ماندگاری فنی دست یافته است. [۶]

۹-۷)محراب

محراب نوعی تو رفتگی است که جهت مکه و نماز خواندن را نشان می دهد، تقدس آن به جهت رو به قبله بودنش می باشد. با ورود به داخل بنا و حضور در مقابل محراب نگاه ما با توجه به خطوط قائم و عناصر رو به بالای فضای درونی گنبدخانه به سمت زیر گنبد متمایل شده و نقوش اسلیمی محراب ما را از زیبایی مبهم نقوش فراکتالی زیر گنبد آگاه، مطمئن می نمایند که این نیز زاییده یک ادارک کاملا ذهنی و لذتی عمیق در مقام عقل و احساس است. [۶]

۱۰-۷)تزئینات مساجد

از آنجا که در بعضی از روایات اسلامی حتی نقاشی گل و بوته یا گیاه نیز مکروه شمرده شده است، هنرمند مسلمان در تزئین مساجد شکل گل و گیاه را تغییر داده و حالتی نمادین به آنها بخشیده است. نقش های اسلیمی شگفت انگیزی که در تزئین مناره و سردر و گنبد و ... به وجود آمده از همین تفکر ناشی می شوند.

موزاییک و کاشی های براق برای کف مسجد و تزئین محراب و دیوارها، شیشه های رنگارنگ برای پنجره و قندیل ها، قالی و قالیچه های گران بها برای آرایه صحن بکار می رفت .ازاره ها و دیواره ها با مرمر زیبای الوان و تاقنمای محراب و کتیبه ها را با نوشته ها می آراستن منبر از چوب بود و در ساختن و آراستن آن با عاج منبت و آبنوس ، دقت فراوان به کار می بردند. محراب را با کاشی و موزاییک و تصویر گل و بوته و نقشهای برجسته و طراحی های زیبا، از معرق ، گچ، مرمر، سفال و کاشی ، مزین می کردند. [۵]

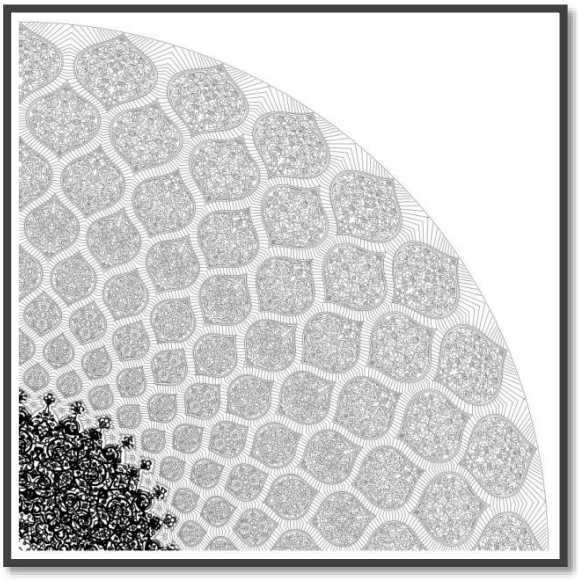

شکل ۴ _ تزئینات گنبد شیخ لطف الله

۸)آمـــودها (تـزئینـات یا الـحـاقـات غیرسازه‌ای)

۸-۱)کاشی هفت رنگ

صفحات منقوش و به‌هم پیوستهٔ کاشی های نما و تَرْکهای نگاره‌دار گنبدها، با رنگهای بدیع و گل و بوته‌های استیلیزه شده و نقش های اسلیمی و هندسی آذین می‌شوند.

این نوع کاشی دوام و ارزش کاشی معرق را ندارد، اما چون نظر بر این بوده که منظر عمومی بنا آبی باشد، کاشی هفت رنگ بیشتر مطلوب بوده است. سطح خارجی گنبدها که نیاز به دوام بیشتر در جهت تقابل با عوامل جوی دارد، از این نوع کاشی استفاده نشده است .کاشی کاری نیز به طرق مختلف معرق کاری، معقلی و هفت رنگ کار شده، که در دوره صفوی برای سرعت بخشیدن به کار، وضوح بیشتر و نیز امکان ایجاد نقوش پیچیده گیاهی و هـندسی کاشی هفت رنگ به کار برده شد. [۵]

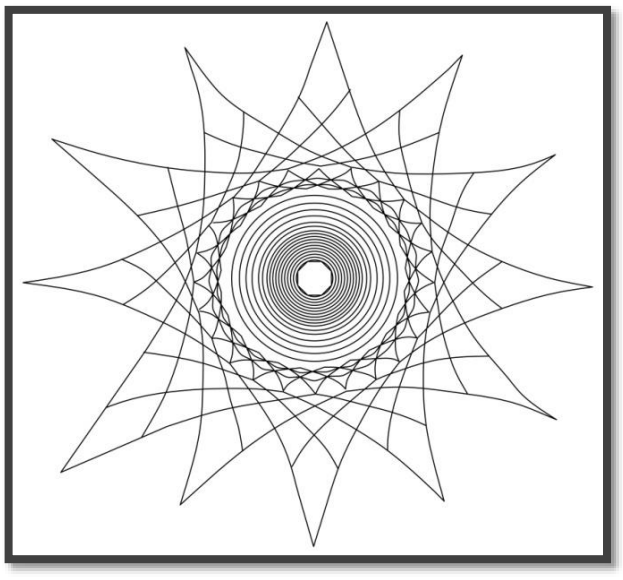

شکل ۵_ سقف چهارسو گنجعلی خان

۸-۲)تزئین گل و بوته(گیاهی)

در دوره صفوی جهت سرعت در کار تکنیک کاشی هفت رنگ استفاده شد .گل سرخ، میخک، نیلوفرآبی، گل انار، آلاله، برگ و شاخه انگوری و شاخ و برگ های درهم پیچیده دیگر با شیوه های اسلیمی مارپیچی حلزونی و دسته ای در قاب های کاشی تزئینی هفت رنگ در این عصر(صفوی)به شکوفایی و نمایش درآمدند. در ساختمان و تزئین اژدرهای سردر و جلوخان و همچنین سکوهای طرفین سردر، مرمرهای بسیار خوب به کار رفته و بقیه قسمت های جلوخان و سردر با کاشی های خشتی الوان و معرق زینت یافته‌اند. در این تزئینات نقوش هندسی، گل و بوته، طاووس و همچنین کتیبه هایی به چشم می‌خورد که به خط خوش نسخ و نستعلیق نوشته شده‌اند. ساقه گنبد شیخ با کاشی هایی آبی رنگ و نقوش گل و بوته و کتیبه‌ای از کاشی های معرق، شامل چند سوره کوتاه از قرآن، تزئین شده است. فاکتورهای اساسی زیبایی کاشی کاری را چنین می توان نام برد: ارزش برابر فضای مثبت و منفی قرینه سازی تجـرید و انتزاعی بودن بی زمانی تناسب و ترکیب بافت توازن سکون و آرامش رنگ و... [۱]

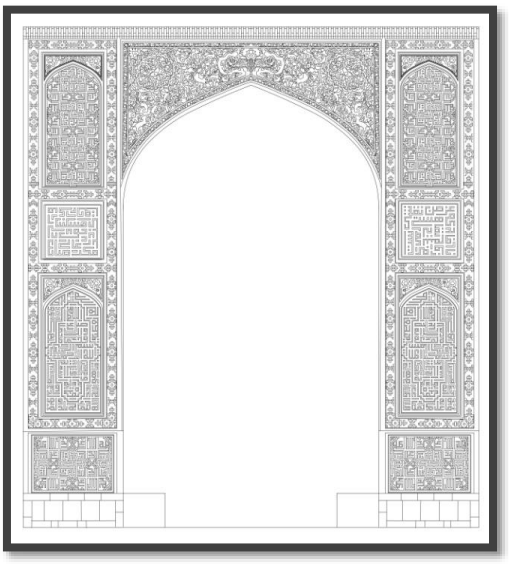

شکل ۶ _سردر کاروانسرا گنجعلی خان سقف و پیشانی_ سردر اصلی با کاشی های معرق با طـرح های گـل و بـوته و اسلیمی تزیین شده است.

۸-۳)رنگ

در آثار قوام یافته با شیوه اصفهانی رنگ های مسلط آبی، فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید شیری، نخودی پخته و طلایی است. پس از شاه عباس جلوهٔ کلی بنا که آبی رنگ بود، تغییر یافت؛ حتی در زمان شاه سلیمان طرح ها غالباً ناهماهنگ شد و رنگهای قرمز و زرد و نوعی نارنجی زشت جای بیشتری گرفت.

تاثیر رنگ یکی از عوامل و مولفه های مهم در فضا سازی معنوی و روحانی مسجد می باشد البته همنشین بی بدیل نور است این استفاده با آگاهی از معنای سمبلیکی هر رنگ و واکنش کلی ایجاد شده در روان انسان در برابر حضور یک ترکیب یا هارمونی از رنگ ها همراه می باشد. مساجد جهان اسلام در بکارگیری رنگ های متنوع از چارچوب واحدی پیروی می کنند و معمولاً از رنگ های سبز ، فیروزه ای و آبی استفاده می کنند. رنگ آبی لاجوردی و فیروزه ای از عمده ترین رنگ های زمینه ای دیوارها، کاشی ها، محراب، گنبد، صحن و شبستان مساجد است. [۵]

۸-۴)نقش بر دیوار

نقش متنوع و رنگارنگ کاشیکاری مساجد ایرانی، جزء زیباترین و پرمعناترین عناصر بکار رفته در مساجد است. این نقوش پرمعنا هریک بر حسب شکل و محل قرار گیری دارای کارکرد و بار معنایی و رمزی متفاوت است.

تکرار، ویژگی خاصی است که در میان عبادتگاه ها تنها در مسجد به این وسعت استفاده شده است و در عملکرد خود با روح اسلام و عبادت در آن ارتباط تنگاتنگ و مستقیم دارد. نقوش اسلامی که در نوع گردش اسلیمی و ختایی و نقوش هندسی جلوه گر شده است معمولاً از یک یا چند شکل منظم به دست می آید که در انحناها و دوایر قرار می گیرند و بر طبق اندازه های تکرار شونده به اشکال متفاوتی نمودار می شوند و به این صورت ، تناسبات وابسته به آن نقش ، در کل سطح گسترش طرح تکرار می شود. حتی اگر

پایه هندسی کار حذف شده باشد و تنها خطوط و شکل هایی که بر اساس آن ترسیم شده است باقی مانده باشد باز هم روح هم آهنگ و تکرار شونده آن محفوظ و نمایان است. [۱]

شکل ۷_ بخشی از تزئینات اتاق کاروانسرای گنجعلی خان

۸-۵)نورپردازی

تنظیم نور با توجه به جهت تابش آفتاب و رعایت سنت درون‌گرایی در بناهای ایرانی صورت گرفته است. دور گردن می کند و آن را زیبا و شایسته می سازد که محل استقرار روان انسانی باشد که جوهر او نیز ریشه در عالم نور دارد، عالمی که جز عالم روح نیست. بلند گنبدها نورگیرهایی تعبیه شده است که هم سنگینی نما را متعادل می‌کند و هم نور کافی و غیرمستقیم به داخل می‌دهد. نور گیرها در بسیاری از بناها به صورت گلجام است. معماری اسلامی نور را به عنوان یک سمبل عقل، الهی و سمبل وجود. نور یک حضور روحانی است که در سختی ماده نفوذ کرده آن را تبدیل به یک صورت شریف در می آورد. [۱]

۸-۶)مکانیسم نورپردازی

۱-مهار نور

۲-تلطیف نور

۳-انعکاس و جذب نور

۴- ایجاد کنتراست نور مناسب

۸-۷)نقش نور بر آیات روی دیوار:

تناسب نور خورشید با آیات قرآنی نقش بسته روی کاشی ها هنری معنا گراست. .نور درون مسجد از پنجره‌های مشبکی که در جوانب گوناگون ساقه گنبد ساخته شده‌اند

تأمین می‌شود. پرتوی که از این پنجره‌ها به درون مسجد می‌تابد، علاوه بر ایجاد روشنایی کافی، خود به خود نمایشگر فضای روحانی بناست. [۵]

نتیجه

مقایسه این دو مجموعه نتیجه گرفته می شود که مجموعه نقش جهان اصفهان با توجه به این که یک مجموعه حکومتی بوده و در دوره ای مخصوص افراد حکومتی بوده عناصر قرار گرفته شده در این مجموعه با رویکرد حکومتی بودن، شکل گرفته شده است مانند کاخ عالی قاپو که برای استفاده سران حکومتی ساخته شده بود و یا قرار گیری دو مسجد در کنار هم برای استفاده همسران رجال حکومتی بوده است. از لحاظ جزییات نیز مجموعه نقش جهان با همین رویکرد دارای تزیینات و کاشیکاری های بیشتر است و از لحاظ تناسبات این مجموعه با فاصله گرفتن از مقیاس انسانی عظمت خود را نشان داده است.

اما مجموعه گنجعلی خان کرمان دارای فضاهای اجتماعی بیشتری می باشد، مانند حمام، کاروانسرا و آب انبار. نحوه قرار گیری عناصر آن با رویکرد استفاده عوام از این مجموعه شکل گرفته است و از لحاظ جزییات با تمام شباهت هایی که از لحاظ سبک و معماری با مجموعه نقش جهان دارد، کمتر در عناصر این مجموعه از کاشیکاری استفاده شده است اما دارای نقاشی های بسیاری است، از لحاظ تناسبات نیز دارای مقیاس انسانی تری است و نسبت به مجموعه نقش جهان نزدیکی بیشتر با مقیاس انسانی دارد، نمود این مسئله را می توان در مقایسه تناسبات مساجد این دو مجموعه مشاهده کرد.

مقایسه میدان نقش جهان و میدان گنجعلی خان		
نام میدان	میدان نقش جهان	میدان گنجعلی خان
کاربری	حکومتی - ورزشی - شهری	حکومتی - عمومی - شهری
دوره	صفوی	صفوی
شیوه ساخت	اصفهانی	اصفهانی
محل قرار گیری	مرکز شهر اصفهان	مرکز قدیمی شهر کرمان
معماران	محمدرضا اصفهانی - علی اکبر اصفهانی	سلطان محمد معمار یزدی
محل قرار گیری بازار	دور تا دور میدان	در سه ضلع میدان
نوع جاگیری میدان	ارگانیک	ارگانیک
مساحت	حدود ۸۵۰۰۰ متر مربع	حدود ۱۱۰۰۰ متر مربع
شکل میدان	مستطیل	مستطیل
ضلع شمالی	سردر قیصریه	ضرابخانه
ضلع جنوبی	مسجد شاه (مسجد امام)	حمام گنجعلی خان
ضلع شرقی	مسجد شیخ لطف الله	مسجد گنجعلی خان و کاروانسرا
ضلع غربی	عمارت عالی قاپو	آب انبار علیمردان خان

جدول ۱ – مقایسه میدان نقش جهان و میدان گنجعلی خان

مقایسه سه مسجد (مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله، مسجد گنجعلی خان)								
نام مسجد	محل قرارگیری	معماران	ارتفاع مناره (متر)	تزئینات	دوره	نوع ایوان	فرم پلان	سبک
شاه (امام)	زاویه ۴۵ درجه نسبت به ضلع جنوبی	علی اکبر اصفهانی	مناره داخلی ۴۸ مناره سردر ۴۲	خطاطی کاشیکاری خشتی مقرنس هفت رنگ	صفوی	چهار ایوانی	مستطیل	اصفهانی
شیخ لطف الله	زاویه ۴۵ درجه نسبت به ضلع شرقی	محمد رضا اصفهانی	ندارد	خطاطی کاشیکاری کاشیکاری معرق مقرنس	صفوی	چهار ایوانی	مستطیل	اصفهانی
گنجعلی خان	ضلع شرقی	سلطان محمد معمار یزدی	ندارد	گچبری خطاطی حجاری کاشیکاری مقرنس کاری	صفوی	----	مربع	اصفهانی

جدول ۲ – مقایسه مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله و گنجعلی خان

فهرست منابع:

۱-معماریان، غلامحسین، سبک شناسی معماری ایران، انتشارت سروش دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.

۲-حبیبی، محسن، از شار تا شهر، دانشگاه تهرات، ۱۳۸۲.

۳-پیرنیا، محمد کریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، انتشارات سروش دانش، تهران، چاپ هجدهم، ۱۳۹۱.

۴-آیت الله زاده شیرازی، باقر، مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، ۱۳۸۲.

۵-تجلی علم مثال در تزیینات عصر صفوی، صفحات ۳۹ تا ۴۳، نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۱.

۶-پیرنیا، محمد کریم، تحقیق در گذشته معماری ایران، انتشارت سروش دانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

۷-اردلان، نادر و بختیار، لاله ، حس وحدت، ترجمه ونداد جلیلی، تهران، علم معمار، ۱۳۹۰.

۸-پوپ، آرتور، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، نشر اختران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۹-باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، گنجعلی خان، نشر اساطیر، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۱۰-باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، کرمان در قلمرو تحقیقات ایران، مرکز کرمان شناسی، چاپ معراج، ۱۳۷۰.

۱۱-سلطانزاده، حسین، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، تهران، شهرداری تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگ، ۱۳۷۲.

۱۲-سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز پرتوی، نشر مرکز، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

۱۳-باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، تاریخ کرمان، نشر اساطیر.

۱۴-جذبی، سید علیرضا، هندسه ایرانی، انتشارات سروش، تهران ۱۳۶۹.

۱۵-معرفی استان اصفهان سازمان تبلیغات اسلامی استان اصفهان، بازبینی‌شده در ۵ دی ۱۳۹۱.

۱۶-هنرفر، لطف‌الله، میدان نقش جهان اصفهان، خواندنیها، مهر ۱۳۵۰.

۱۷-سایت شهرداری کرمان، معرفی شهر کرمان، http://www.kermancity.ir